

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۲۵ خرداد ۹۰

هفته‌ی بیستم (شرکت در مهمانی)

۱۲ رجب ۱۴۳۲ (هفته‌ی دوم ماه رجب)

سلام بر آغاز کننده و مدبر اموری که قدرتش در لحظات آفرینشش جاری است، همگان فرمان‌برش هستند و آنچه در جانشان مخفی است، عشقی است که پایه‌های استوارش قادر است تا کاخ‌های بهشت را در تسخیر جان، به تصرف خویش درآورد و بهایش را بپردازد.

سؤال کرده بودیم بهای بلیط مسابقه چه مقدار است، بها گذاری در سایت، مانند یک رؤیای شیرین که دارای شرایط غیر زیستی است مانند پرواز انسان بر قله‌های مرتفع که بسیار لذت بخش است و این عادت در حیات زمینی با جان بدون ابزار، غیر ممکن است، بها گذاری شده بود. آیا تا کنون توانستید بر جانتان، بهایی بگذارید که قابل پرداختن باشد؟ پروردگار عالم در روابط ظاهری در جامعه‌ی انسانی آن را بها گذاری فرموده و نامش دیه است؛ فرموده اگر انسانی کشته شود به عمد یا غیر عمد باید بهایش را بپردازید؛ ما دعوتتان کردیم تا در مسابقه‌ای که نامش حیات است شرکت کنید، اگر بهای حیات را نقد داشتید در مسابقه بنشینید و اگر نداشتید نمی‌توانید زندگی‌تان را قرض بگیرید؛ بهای حیات یک انسان که وارد مسابقه‌ی زندگی می‌شود قابل تخمین و پرداختن نیست، آنچه قرآن کریم امر به پرداختن فرموده، قطع نفس ظاهری است، نفس باطنی معیاری برای پرداخت دیه ندارد پس اگر خودتان را به عمد کشته باشید طبق فرموده‌ی قرآن کریم: ﴿جایگاهتان جهنم است و گناهتان غیر قابل بخشش﴾ خودکشی گناهی نفرت انگیز است که در ظاهر، قطع حیات را تداعی می‌کند و در باطن، مقابل امر الهی که فرموده: ﴿جانتان را من خریده‌ام و بهایش را پرداختم پس از آن مراقبت کنید﴾. شاگردانی که جانشان را در مسابقه شرکت دادند اگر آن را به پروردگار فروخته‌اند، مسابقه را برده‌اند و قهرمان هستند و اگر به هر که

خریدار بوده فروخته‌اند، بازرگانی ورشکسته هستند که از ترس آبرو، خود را مخفی می‌کند تا طلبکارانش او را در گرفتن طلبشان مورد آزار قرار ندهند.

مسابقه‌ی زیبایی بود. مسابقه‌ای که پروردگار عالم ناظر تلاش دوندگان مخلص بود که رگ حیاتشان را به میدان آورده بودند و با التجاء می‌خواستند اخلاصشان مورد قبول پروردگار واقع شود، خداوندی که نجات بندگانش را بر خود فرض نموده؛ اگر به دنبال نجات هستید جانتان را با زهرِ جهل ذره ذره نگشید که نجاتِ قاتل ممکن نیست.

در عالمی که روشنایی و خاموشی‌اش زمان بندی دارد و آسمان در اطاعتش محکم و استوار است، سعی کنید زنده بمانید تا مفهوم جواهر را بفهمید و آنگاه که پروردگار عالم از جواهردان اصحاب کهف صحبت می‌فرماید، مفهومش را در خوابی درک کنید که رؤیایش رؤیایی واقعی است، رؤیای حکومتی خالص، بدون هیچ گناه و قتل، در امنیتی غیر قابل تصور.

اگر به دنبال این حکومت هستید در قصرِ حاکمش جمع شوید؛ درِ قصر به روی مهمانانی باز است که آمدن به مهمانی را با شرایط حضور درک کنند؛ اگر توانستید در مهمانی هفته‌ی آینده شرکت کنید، شرکت کنندگان دارای لقبی منحصر به فرد می‌شوند.

پس با امید به وارد شدن، در نوبت بایستید.

حمد پروردگاری را که آنچه را آفرید، در علم حیاتش، نمونه‌ای از عزت است، عزتی که در بها، درجه بندی شده تا آفریده‌ها به بهای خویش آگاه شوند و آنچه به‌عنوان متاع بی‌جان می‌خرند، با جان زنده معاوضه نکنند.

اللهم عجل لولیک الفرج